



هدایت در قرآن

آداب تلاوت



آیت الله جوادی آملی

اسحاق بن عمار می گوید، از امام ششم علیه السلام پرسیدم: «جعلت فداك؛ ای احفظ القرآن علی ظهر قلبی، فأقرؤه علی ظهر قلبی افضل أو أنظر فی المصحف؟». فدایت کردم! من قرآن را حافظم! پس اگر تلاوت قرآن را به حفظ بخوانم بهتر و با فضیلت تر است یا اینکه قرآن را باز کنم و از روی قرآن بخوانم؟ حضرت پاسخ داد: «بلى اقرأه وأنظر فی المصحف فهو أفضل، أما علمت أن النظر فی المصحف عبادة؟». بلکه قرآن را از روی قرآن بخوان، قرآن را باز کن و بخوان که بهتر است. آیا نمی دانی که نگاه کردن به قرآن عبادت است؟

نه تنها خواندن قرآن و نگاه کردن به قرآن عبادت است که حتی قرآن را به همراه داشتن نیز عبادت است. این الفاظ معجزه‌ای که احدی نمی تواند مانند آن را بیاورد و سخنان حضرت حق است، حتی همراه داشتن این الفاظ عبادت و ثواب است.

همراه داشتن قرآن

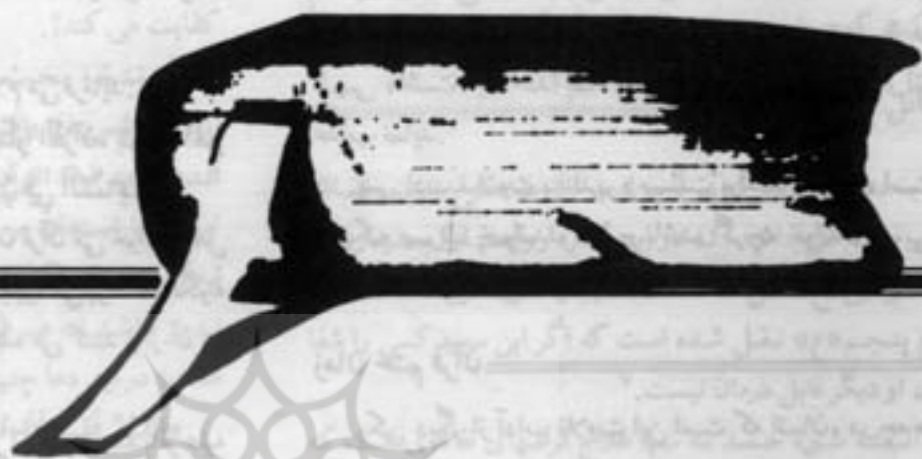
در باب «اتخاذ المصحف و کتابته»، از کتاب وافی حقا دین عیسی از امام ششم علیه السلام نقل می کند که فرمود: «وإنه لیغیبني أن یكون فی الثیبت فمصحف ینظر الله به الشا طین» من خوشم می آید که در منزل قرآن باشد، و به وسیله آن خداوند

نخستین فصلی که در هدایت قرآن مطرح بود، دو مقام داشت: ۱- مقام تعلیم ۲- مقام تزکیه و چون رسیدگی به بحث تعلیم و تزکیه نیاز به مدخل و مقدمه ای داشت که در آیه نیز ذکر شده است: «یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة» لذا بحثی در باره تلاوت قرآن داشتیم و گفته شد که: تلاوت از خداوند متعال بوسیله فرشتگان، بر قلب و سمع مبارک رسول خدا «صلی الله علیه وآله» شروع شد و از حضرت به مردم منتقل گردید. و همانگونه که این تلاوت بالحق بود، ما هم موظفیم که آن را بالحق تلاوت کنیم، پس باید آداب تلاوت را از قرآن و سخنان معصومین دریابیم.

در بحث گذشته برخی از روایتی که در باره ادب تلاوت قرآن از معصومین علیهم السلام رسیده است، نقل شد و اینک بحث را بی می گیریم:

تلاوت از روی قرآن

در کتاب فضل القرآن اصول کافی، بابی است تحت عنوان: «باب قراءة القرآن فی المصحف» که روایتی در آن باب از معصومین علیهم السلام رسیده و این مطلب را بیان می دارد که انسان بهتر است قرآن را از روی کتاب الهی باز کند و بخواند.



« كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى؛ صَلُّوا فِي الْكَنَائِسِ وَالْبَيْعِ وَعَقَلُوا بُيُوتَهُمْ » - خانه‌ها را گورستان نکنید، همانگونه که یهود و نصاری کردند که در کلیساها و معابد خود نماز خواندند و عبادت مخصوص را بجای آوردند ولی خانه‌های خود را تعطیل کردند، گویا عبادت منحصر به معابد است.

« فَإِنَّ النَّبِيَّ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَاتَّسَعَ أَهْلُهُ وَأَهْلَاءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا »^۱

و همانا هرگاه تلاوت و خواندن قرآن در منزل زیاد شود خیرات و برکات آن منزل افزونی می‌یابد و آن منزل برای اهل آسمان نور می‌دهد همانگونه که اختران آسمان برای اهل زمین نور می‌دهند.

روایتی دیگر در همین زمینه، ابن القلاح از امام ششم صلوات الله علیه نقل می‌کند که فرمود:

« أَلَيْتُ الَّذِي يَقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذَكِّرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ، تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَتَخْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَتُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ الْكَوَاكِبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ. وَإِنَّ النَّبِيَّ الَّذِي لَا يَقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَلَا يُذَكِّرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ، تَقِلُّ بَرَكَتُهُ وَتَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَخْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ. »^۲

خانه‌ای که در آن قرآن خوانده می‌شود و ذکر خداوند در آن می‌شود، برکتش زیاد شده، فرشتگان در آن حاضر می‌شوند و

شیاطین را دور کند. البته روشن است که در صورتی همراه داشتن و نگهداری قرآن، شیاطین را طرد می‌کند که تلاوت بشود، از آن آموزش ببینند، تعلیم و تزکیه از آن مطرح باشد و مسائل و احکامش مورد بررسی و سپس عمل فرار گیرد نه اینکه قرآن را در خانه بگذارند تا گرد و خاک بگیرد که در صورت اول قرآن شفاعت می‌کند و در صورت دوم شکایت می‌نماید. پس تلاوت قرآن و اتساع با ظاهر قرآن برکت است، چه رسد به مراحل بالاتر که آموزش دیدن و بررسی آیات باشد.

خواندن قرآن در منزل

در باب «البیوت التي یقرأ فیها القرآن» - خانه‌هایی که در آنها قرآت تلاوت می‌شود، روایتی را مرحوم کلینی «ره» از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود:

« تَنوَّرُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَلَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا » - خانه‌های خود را با تلاوت و خواندن قرآن روشن و منور سازید و خانه‌هایتان را قبرستان نکنید. زیرا منزلی که قرآن در آن مطرح نباشد، آن منزل آرامگاه خانوادگی است نه جانی که برای زندگی باشد زیرا انسان وقتی زنده است که حیاتش با قرآن آمیخته باشد.

در ادامه حدیث می‌فرماید:

همراه باشقاوت ، به توپناه می بریم که از علم قرآن نایبنا شویم و معارفش را نفهمیم و در دستورهایش ستم روا داریم و از راهش تجاوز کنیم و حقش را ادا نکنیم.

سبیل قصد همان راه مقصد و صراط مستقیم است که باید آن را پیمود و از آن هیچگونه تخطی و تجاوز نکرد. راهی را که خداوند در قرآن نشان داده، همان راه مستقیم است و تنها راه رستگاری است که اگر کسی از آن تجاوز کرد، راه خدا را نپیموده است. در قرآن می فرماید: «وَعَلَى اللَّهِ قَضُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِزٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (نحل - آیه ۶)» بر خدا است که راه راست را به شما بنمایاند و اما راه دیگر انحرافی است [پس نباید از راه خدا تجاوز کرد] و اگر خدا می خواست همه شما را هدایت می کرد. بنابراین، آنان که از راه خدا دور شدند و تجاوز کردند، منحرف و گمراهند. و ما همواره از خدا باید بخواهیم که به توسط این قرآن راه راست را بر ما بگشاید و این بوسیله فهم و تدبیر در آیات قرآن و خضوع در برابر احکام الهی میسر است.

«اللَّهُمَّ اخْمِلْ عَنَّا ثِقَلَهُ وَأَوْجِبْ لَنَا أُجْرَهُ وَأَوْزِعْنَا شُكْرَهُ وَاجْعَلْنَا نَعِيَةً وَنَعِظَةً».

وعی قرآن

خداوند! سنگینی آن را از دوش ما بردار، و پاداشش را به ما عطا کن و شکر این نعمت را به ما الهام کن و ما را آنچنان قرار ده که آن را خوب بفهمیم و حفظ کنیم.

در بحث اذن واعیه گذشت که تنها بهره درک مفاهیم و معارف قرآن از آن کسانی است که دارای اذن واعیه اند یعنی قلب آنها، وعاء معارف قرآن باشد که در قرآن می فرماید: «وَتَبَيَّنَّا أَذْكَرَ وَأَعْيَبَهُ». در بیان معروف امیرالمؤمنین علیه السلام نیز آمده است: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا».

در اینجا انسان از خدا می خواهد آن توفیقی را بجا بدهد که جان ما وعاء و ظرف قرآن باشد. زیرا گرچه قاریان و تلاوت کنندگان قرآن زیادند ولی افرادی که جانشان ظرف قرآن است، اندک اند. در حدیث معروف تقسیم بشر، حضرت امیر علیه السلام به کمیل بن زیاد می فرماید: «الْإِنْسَانُ ثَلَاثَةٌ: عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُسْتَعَلِمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَّجٌ رُغَاعٌ أَيْبَاعٌ كُلُّ نَاعِقٍ...» در این روایت، حضرت امیر، عالم ربانی و متعلم علی سبیل نجات را به مفرد تعبیر کرده زیرا این گروه خیلی کم اند ولی از گروه سوم که فراوانند به صیغه جمع ذکر کرده است. و از این معلوم می شود، آنهایی که قلبشان وعاء معارف قرآن است، خیلی کم می باشند؛ و در این دعا ما از خدا می خواهیم که ما را جزء آن گروه قرار دهد.

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا تَتَبِعْ خَلَالَهُ وَتَجَنَّبْ حَرَامَهُ وَتَقَبَّلْ حُدُودَهُ وَتُؤَدِّي فَرَائِضَهُ».

خداوند! ما را توفیق ده که از حلال قرآن پیروی کنیم و از حرامش بهره‌رزییم و حدودش را اقامه کنیم و فرائضش را ادا نمائیم.

از این هم معلوم می شود تلاوتی که مطلوب است با تدبیر همراه است و گرنه اگر غرض از تلاوت، قراءت محض بود بدون تدبیر، وجهی نداشت که انسان از خدا چنین درخواستی را قبل از قراءت بنماید.

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خِلَاوَةً فِي بِلَاوَتِهِ وَنَشَاطًا فِي قِيَابِهِ وَوَجَلًا فِي تَرْتِيلِهِ رَوْحًا فِي اسْتِعْمَالِهِ فِي آثَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...».

بار الها! به ما خلوت و لذتی در قرائت قرآن عطا فرما [که از تلاوت آیات قرآن لذت ببریم نه اینکه برای ما تکلیف باشد] و هنگامی که آیتش را ترتیل می کنیم، هراسی در دل ما ایجاد شود و توانی به ما ببخش که در تمام ساعات شبانه روز بتوانیم از آن استفاده کنیم.

اینکه در این دعای شریف آمده بود: خدایا به ما توفیقی بده که ظرف دل ما جای معارف قرآن باشد برای آن است که اگر کسی در برابر قرآن خضوع نکند، از درک معارف آن محروم می ماند «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» خداوند توفیق نمی دهد به انسانهای متکبر و مغرور که معارف قرآنی را بفهمند. پس انسان متکبر از آیات الهی - چه آیات تکوینی و چه آیات تدوینی - طرفی نمی بندد و معرفتی پیدا نمی کند.

ادامه دارد

- ۱- کافی - ج ۲ - ص ۶۱۳ - روایت پنجم.
 - ۲- کافی - ج ۲ - ص ۶۱۰ - روایت اول.
 - ۳- کافی - ج ۲ - ص ۶۱۰ - روایت سوم.
 - ۴- کافی - ج ۲ - ص ۶۱۰ - روایت دوم.
 - ۵- کافی ج ۲ ص ۶۱۴ - روایت اول.
- هَذَا، فَلَا وَهَذَا به معنای بریدن چیزی با شتاب و سرعت است که در اینجا نیز به معنای سرعت در خواندن است. و نشر، نشر و پشاره و پشاره به معنای از هم گسیختگی و پراکنده و متفرق کردن است، یعنی حروف هنگام خواندن اینقدر از هم جدا شوند که کلمات درست ادا نشود. راغب در مفردات گوید: «الترتیل، ارسال الكلمة من الفم بسهولة و استقامة» ترتیل به معنای این است که کلمه با سهولت و روان از دهان خارج شود، یعنی تمام حروف درست ادا شود، پس نه در اثر سرعت و شتابزدگی، حرفی خورده شود و نه در اثر کند ادا کردن، حروف از هم گسیخته و متفرق شوند.
- ۶- کافی - ج ۲ - ص ۶۱۷ - روایت دوم.
- اقرب الموارد گوید: هَلَزَمْتُ: أسرع في القراءة والكلام. در خواندن و سخن گفتن شتاب کرد.
- ۷- «من لم يبرأ الحمد لم يبرأ شئ» کافی - ج ۲ - ص ۶۲۶ روایت ۲۲.
 - ۸- کافی - ج ۲ - ص ۶۲۰ - روایت سوم. مقصود از مسبحات سوره هائمی است که با «سبح» یا «سبح» آغاز می شود.
 - ۹- کافی - ج ۲ - ص ۶۲۲ - روایت ۱۲. ۱۰ - کافی - ج ۲ - ص ۶۲۳ - روایت ۱۸.